

## اصل رضایی بودن قراردادها در حقوق ایران

هادی داودی<sup>۱</sup>

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سبزوار

### چکیده

یکی از اصول حاکم بر قراردادها، اصل رضایی بودن عقود است. به موجب این اصل، اصولاً برای انعقاد هر عقد، صرف ایجاب و قبول کافی است و برای انعقاد عقد، تشریفات لازم نیست و قبض، شرط صحت معامله نیست. با وجود این، در برخی موارد خاص، انعقاد برخی عقود، تشریفات خاصی لازم دارد که این موارد، استثنائات اصل رضایی بودن عقد را تشکیل می دهند. بررسی موارد این استثنائات در حقوق ایران و کامن لا، از اهمیت زیادی برخوردار است. هم در حقوق ایران و هم در کامن لا، اصل رضایی بودن عقود با استثنائاتی مواجه است از جمله قرارداد انتقال حق کسب و پیشه و تجارت، قراردادهای انتقال املاک ثبت شده که در مقاله این استثنائات مورد بررسی قرار می گیرند. در حقوق اروپایی و بین المللی، مسئله تکمیلی بودن اصل رضایی بودن، در بسیاری از موارد در قوانین موضوعه و حداقل در دکترین حقوقی و در راستای استنباط از قواعد عمومی و اصول کلی، مورد پذیرش واقع شده است. دکترین حقوقی اروپا، با ارائه دیدگاهی نوین نسبت به اصل رضایی بودن، تکمیلی بودن این اصل را نتیجه می گیرد: مطابق تعریفی که عموماً ارائه می شود، عقد رضایی، قراردادی است که به صرف توافق طرفین تشکیل می شود بدون آن که شیوه اعلام اراده، اهمیت چندانی داشته باشد، این اصل رابطه تنگاتنگی با اصل استقلال اراده داشته و طرفین علی الاصول آزادند تا محتوای روابط قراردادی خود را تعریف کنند و با اعتماد متقابلی که خود از اصل حسن نیت سرچشمه می گیرد، بنای قراردادی خویش را استوار نمایند.

واژگان کلیدی: اصل رضایی بودن، قراردادها، عقود، تشریفات

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول: hadidavoodiesfarayen1989@gmail.com

#### مقدمه

تشریفاتی که منطوق قوانین موضوعه در مورد برخی قراردادهای وضع می کنند، در سطوح حقوقی مختلفی قرار دارند و بر همین اساس ضمانت های اجرایی متفاوتی را نیز به همراه خواهند داشت. فلذا، تشریفات مربوط به اراده، تشریفات مربوط به اثبات و تشریفات مربوط به انتشار، ضمانت های اجرایی مختلفی را دارا هستند. در میان این تشریفات سه گانه، تنها تشریفات مربوط به اراده است که موجبات بطلان عمل حقوقی را فراهم می سازد. تشریفاتی بودن اثبات عمل حقوقی قاعداً بر اعتبار آن عمل تأثیرگذار نیست اما در مرحله اثبات در نهادهای قضایی و اداری، اثبات و در نتیجه وجود و اجرای آن را قطعاً دچار مشکل می سازد به عبارت دیگر، در صورت عدم رعایت تشریفات اثباتی، و در صورت انکار طرف مقابل، حق موجود و معتبر است اما مطالبه و اجرای آن متعسر.

#### بیان مساله

مهمترین مسئله در باب تغییر در مفاد قراردادهای تشریفاتی آن است که آیا تغییر در یک عقد تشریفاتی باید به همان شکل و تشریفاتی که در انعقاد عقد لازم بوده است انجام شود یا خیر؟ پاسخ این سؤال مثبت است. لزوم تطابق میان این دو نوع تشریفات را در عالم حقوق «انطباق شکلها» نامند. «انطباق شکلها» در هنگام تغییر در مفاد عقد، شروط شکلی و تشریفاتی عقد نخستین را به طرفین یادآوری می کند به اضافه این که امکان اثبات تغییرات حاصله در قرارداد را تسهیل می سازد و موجب آسان شدن کار قضات می گردد چرا که شیوه های دفاعی و ادله اثباتی مورد استناد طرفین را تحدید می کند. در دورانی که مبادلات افزایش پیدا کرده و تجارت الکترونیک گسترش می یابد، تشریفاتی بودن امری شگفت آور و حتی ناهماهنگ می نماید. همان طور که می دانیم، تشریفاتی بودن در دهه های اخیر، بازگشت معناداری در شاخه های مختلف حقوقی پیدا کرده است. این ظهور ناگهانی تشریفاتی بودن از آنجایی تناقض آمیزتر است که از این پس، اصل رضایی بودن در همه کشورهای صنعتی عمومیت می یابد. تشریفاتی بودن، به ویژه در حقوق مصرف و حقوق کار به اندازه ای گسترش پیدا کرده است که برخی در استفاده از عبارت «کانون های تشریفاتی بودن» تردید نکرده اند.

با بروز پدیده تشریفاتی بودن، این مسایل ظاهر می شوند: آیا دلایل وجود تشریفات، با دلایلی که به عنوان مثال، در دوران رم یا قرون وسطی تفوق داشت، هم سنگ است؟ آیا تشریفاتی بودن به طریقی مشابه در کشورهای لاتین، ژرمنی یا کامن لو متجلی می شود؟ آیا تشریفاتی بودن سالیان اخیر، با تشریفاتی بودن گذشته قابل مقایسه است؟ آیا ضمانت اجرای عدم رعایت آنها مشابه است؟ نهایتاً، و به ویژه، آیا با ملاحظه تشریفاتی بودن در نظام های مختلف اتحادیه اروپا می توان به نگارش اصول مشترک دست یافت؟ این مسایل به حدی هستند که باعث می شود تا فرصت های تفکر بیشتری را بیابیم.

#### مبحث اول: مفهوم شناسی

##### گفتار اول: مفهوم قرارداد

##### بند اول: مفهوم لغوی قرارداد

«قرارداد» در لغت مترادف با عقد و پیمان آورده شده است و پیمان را به معنای عهد، قرارداد، معاهده و میثاق تعیین کرده اند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰: ۵۳۳).

«کلمه قرارداد معادل است با کلمات انگلیسی *Convention, Treaty, Agreement* کلمه عقد یا معامله معادل با کلمه انگلیسی *Contract* و کلمه پروتکل معادل کلمه *Protocol* و جمله مبادله یادداشت معادل جمله *EXCHANGE of*

*NOTE* انگلیسی است. تمام کلمات و جملات بالا در فارسی و انگلیسی به خوبی شناخته شده و مورد عمل است و معانی آنها هم بطور مطلق مورد نظر است.» (منصوری نراقی، ۲۰: ۱۳۸۰)

### بند دوم: مفهوم اصطلاحی قرارداد

قرارداد یا پیمان به توافق دو اراده ضروری در جهت ایجاد یک اثر حقوقی را گویند. به عبارت ساده‌تر هرگاه جهت به وجود آمدن یک اثر حقوقی همچون خرید (بیع)، اجاره و نظایر آن، نیاز به تلاقی و تراضی ضروری دو اراده باشد، عقد محقق می‌گردد. با این تعریف ماهیاتی چون وصیت تملیکی، وکالت، هبه و دیگر ماهیاتی که قبول قابل در آن قبول ضروری یا قبول عقدی نیست، از تعریف و شمول عقد خارج می‌شوند. (همان)

قراردادهای اداری نظام حقوقی متفاوتی از قراردادهای خصوصی دارند، طوری که این قراردادها جزء نظام حقوقی عمومی هستند و از قواعد حقوق عمومی پیروی می‌کنند. چون امروزه قواعد و قراردادهای حقوق خصوصی به دلیل پیشرفت فن‌آوری و اجتماعی شدن قراردادها جوابگو نمی‌باشند، بنابراین قراردادهای اداری به وجود آمده‌اند. (انصاری، ۲۰: ۱۳۸۰).

قرارداد غیر اداری قراردادی است که هر چند از نظر تشریفات انعقاد، تابع مقررات عمومی و قواعد آمره می‌باشد؛ ولی در ماهیت، تابع احکام حقوق خصوصی مدنی و تجارت است.

به این ترتیب، تمام قراردادهای دولتی از نظر تشریفات انعقاد، تابع مقررات خاص دولتی و حقوق عمومی اند. ولی از نظر قواعد ماهوی حاکم بر قراردادهای دولتی، آنجا که دولت همانند اشخاص عادی عمل می‌کند، باید به قواعد حقوق خصوصی رجوع کرد و در مواردی که پای منافع و خدمات عمومی در میان است باید به قواعد خاص حقوق عمومی توسل جست.

### گفتار دوم: مفهوم تعهد

#### بند اول: مفهوم لغوی تعهد

تعهد در لغت به معنای عهد و پیمان است. تعهد مصدر باب تفعیل به معنای بر عهده گرفتن، خود را موظف و مدیون کردن نیز آمده است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ۷۴۵)

تعهد بر وزن تفعیل، از ریشه «ع ه د» است و در لغت به معنای برعهده گرفتن و عهد و پیمان بستن آمده است. دو واژه عهد و تعهد اگرچه در فقه اسلامی به کار رفته‌اند، اما محور سخن با توجه به معنای مصدری آن یعنی عقد مورد استفاده بوده است. (قنواتی، ۱۲۰: ۱۳۹۰). واژه تعهد به اقتضای موضوع، معادل «شرط»، «التزام»، «عهد»، «عهده» و «ضمان» استعمال شده، و غالباً در موضوعات عقد ضمان، حواله و کفالت به کار رفته است. (همان)

#### بند دوم: مفهوم اصطلاحی تعهد

تعهد، اصطلاحی در فقه و حقوق اسلامی که ناظر به رابطه‌ای حقوقی است و براساس آن شخص ملتزم به انتقال و تسلیم مال یا انجام دادن یا ندادن کاری می‌شود، در این حال اسباب ایجاد چنین رابطه‌ای می‌تواند عقد، ایقاع و یا الزامی قهری باشد. (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۱۰۲)

موضوع تعهدات، چه ناشی از عقد و چه خارج از عقد، و هرگونه ضمانات قهری، ۳ مبحث انتقال اعیان خارجی، انجام دادن فعل، و یا ترک فعل را شامل می‌شود. بر این اساس محل یا موضوع تعهد همواره نیازمند متعلقی خارجی است که عین خارجی معین و فعل معین به ترتیب درباره هر دو مفهوم انتقال یا انجام فعل و ترک آن مصداق می‌یابد. از سوی دیگر با تعاریف یاد شده، دارا بودن جنبه شخصی تعهد، آن را از حقوق عینی دور ساخته، دو عنصر متعهد و متعهدله را در امر تعهد وارد می‌کند. تعهد رابطه حقوقی است که به موجب آن شخص در برابر دیگری مکلف به انتقال، تسلیم مال و یا انجام دادن کاری می‌شود خواه سبب ایجاد آن رابطه عقل باشد یا ایقاع یا الزام قهری. (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۱۰۸).

### گفتار سوم: مفهوم نکاح

#### بند اول: مفهوم لغوی نکاح

نکاح در لغت به معنای « زناشویی بستن»، « زناشویی کردن»، « زناشویی» و « امتزاج طبایع که موجب پدید آمدن موالید گردد» ذکر شده است. (معین، ۱۳۷۵: ۴۵۶).

#### بند دوم: مفهوم اصطلاحی نکاح

نکاح رابطه ای است حقوقی و عاطفی که به وسیله عقد بین زن و مرد حاصل می گردد و به آن ها حق می دهد که با یکدیگر زندگی کنند؛ مظهر بارز این رابطه حق تمتع جنسی است. این تعریف شامل هر دو قسم نکاح یعنی موقت و دائم می شود. ( محقق داماد، ۱۳۷۶: ۲۲).

### گفتار چهارم: مفهوم رضایی بودن

مطابق تعریفی که عموماً ارائه می شود، عقد رضایی، قراردادی است که به صرف توافق اراده های طرفین تشکیل می شود، بدون توجه به شیوه ای که توسط آن اراده ها بروز پیدا می کنند (گفتارها، نوشتارها، اراده ها یا حتی سکوت). از آنجا که توسل به تشریفات برای بیان رضا ضروری است، «برای آنکه تعریف دقیق تری از رضایی بودن ارائه دهیم، می توان آن را به جای عدم وجود تشریفات به آزادی تشریفات تعبیر کرد». از این گفته نتیجه می شود که عقد به محض تجلی بیرونی متقابل رضا وجود دارد و مستقل از هر قاعده اثباتی، به طور کامل معتبر است. به بیان دیگر، «برخورد اراده ها نه تنها شرط لازمی برای وجود عقد است، بلکه بر طبق این اصل، شرطی کافی می باشد».

### مبحث دوم: معنا و مفهوم اصل رضایی بودن قراردادها

#### گفتار اول: اصول و قواعد خاص برای قراردادها

همه ی قراردادهایی که بر طبق قانون منعقد می شوند، از یک سری اصول و قواعد خاصی پیروی می کنند. اصل در لغت به معنی پایه، اساس و قاعده می باشد. (انوری، ۱۳۸۱: ۵۶۳). قانون گذار مدنی بیشتر این اصول و قواعد مشترک را، در مواد ۲۱۹ الی ۲۲۵ قانون مدنی، تحت عنوان "قواعد عمومی قراردادها" معرفی کرده و به بررسی آنها پرداخته است. یکی از این اصول مشترک "اصل رضایی بودن قراردادها" است. اگر چه قانون گذار در مبحث قواعد عمومی، از این اصل نام نبرده است، لیکن این تأسیس حقوقی از ماده ی ۱۹۱ ق.م قابل استنباط می باشد.<sup>۲</sup>

معنا و مفهوم اصل رضایی بودن قراردادها در علم حقوق این است که؛ هر عقد، رضایی است، یعنی برای تشکیل شدن فقط به توافق (و تراضی) طرفین معامله نیاز دارد مگر اینکه قانون گذار برای تحقق آن رعایت تشریفات خاصی را پیش بینی نموده باشد.

#### گفتار دوم: قراردادهای رضایی و تشریفاتی

قراردادهایی که بر طبق قانون واقع می شوند، به جهات مختلفی قابل تقسیم بندی هستند. یکی از این جهات، تشریفاتی است که افراد باید در حین انعقاد قرارداد رعایت کنند. از این حیث، عقود به دو گروه رضایی و تشریفاتی تقسیم می شوند. صفایی (۱۳۸۴: ۴۱).

<sup>۲</sup> - ق.م: قانون مدنی

**بند اول: عقد رضایی**

عقد رضایی قراردادی است که به صرف توافق اراده‌ی طرفین واقع می‌شود، به شرطی که این توافق به نحوی از انحا بیان و ابراز شده‌باشد. بنابراین برای انعقاد عقد رضایی به تشریفات خاصی مانند به کاربردن الفاظ معین یا تنظیم سند نیازی نداریم و همین که شرایط اساسی برای صحت معامله،<sup>۳</sup> موجود باشد، عقد واقع می‌شود.

**بند دوم: عقد تشریفاتی**

عقد تشریفاتی قراردادی است که علاوه بر شرایط اساسی صحت معامله، باید تشریفات خاصی را برای انعقاد آن به کار بست و صرف توافق طرفین برای وقوع آن کافی نمی‌باشد. به عبارت دیگر برای تحقق عقد تشریفاتی، طرفین باید اراده‌ی خود را به شکل خاصی که قانون معین می‌کند ابراز کنند. به عنوان مثال، در عقد هبه،<sup>۴</sup> علاوه بر توافق طرفین، لازم است که هدیه، از طرف هدیه دهنده به هدیه گیرنده تسلیم شود و تحت اختیار وی قرار بگیرد.<sup>۵</sup> در غیر این صورت عقد باطل است (مواد ۷۹۸ و ۸۰۲ ق.م).

**بند سوم: عقد عینی**

برخی از حقوقدانان (از جمله دکتر ناصر کاتوزیان و دکتر مهدی شهیدی و ...) معتقدند که در کنار عقد رضایی و تشریفاتی، قسم سومی نیز وجود دارد که عبارت است از عقد عینی. به اعتقاد ایشان عقد عینی، عقدی است که برای تشکیل شدن، نیاز به تسلیم مادی مورد معامله (و یا در اصطلاح حقوقی، قبض) دارد. (شهیدی، ۱۳۷۷: ۶۳). مانند عقد رهن. رهن عقدی است که به موجب آن بدهکار مالی را به عنوان وثیقه به طلبکار می‌دهد (م. ۷۷۱ ق.م). به موجب ماده‌ی ۷۷۲ ق.م، مالی که بعنوان وثیقه‌ی بدهی مشخص می‌شود، باید به طلبکار تحویل داده شود. در غیر این صورت عقد رهن محقق نمی‌شود. عقد عینی در حقیقت نوعی عقد تشریفاتی است که علاوه بر قصد طرفین به تسلیم مورد معامله نیز احتیاج دارد.<sup>۶</sup>

**گفتار سوم: استخراج اصل رضایی بودن قرار دادها از ماده ۱۹۱ ق.م**

در ماده‌ی ۱۹۱ ق.م می‌خوانیم: (عقد محقق می‌شود به قصد انشاء(عمید، ۱۳۸۰: ۵۶). به شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند). از مفاد این ماده بر می‌آید که، بر حسب اصل، توافق دو اراده، رکن لازم و کافی برای بسته شدن تمام قراردادهای است. پس می‌توان گفت در حقوق ما اصل این است که "عقد با توافق طرفین واقع می‌شود و نیاز به رعایت هیچ شکل خاصی ندارد". (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۸۶). این همان تأسیسی است که آنرا "اصل رضایی بودن قرار دادها" می‌نامیم. البته این توافق زمانی منجر به وقوع عقد می‌گردد که به نحوی از انحا، ابراز شود. چراکه در غیر این صورت معامله کننده نمی‌تواند طرف دیگر را از قصد خود آگاه سازد و در حقیقت تراضی و توافق طرفین به وجود نخواهد آمد. فلذا این مسأله بین عقود رضایی و تشریفاتی مشترک است.

**بند اول: استثنائات اصل رضایی بودن قراردادهای**

با اینکه اصل رضایی بودن عقود در حقوق ایران پذیرفته شده است، در برخی موارد قانون‌گذار، رعایت تشریفات خاصی را شرط تحقق معامله قرار داده است و در نتیجه، عقد تشریفاتی محسوب می‌شود.<sup>۷</sup>

<sup>۳</sup> - ماده‌ی ۱۹۰ ق.م: (برای صحت هر معامله شرایط ذیل اساسی است: ۱- قصد طرفین و رضای آنها ۲- اهلیت طرفین ۳- موضوع معین که مورد معامله باشد ۴- مشروعیت جهت معامله

<sup>۴</sup> - ماده ۷۹۵ ق.م: (هبه عقدی است که به موجب آن یک نفر مالی را مجاناً به دیگری تملیک می‌کند ...) هبه در لغت به معنی هدیه دادن و بخشیدن می‌باشد. (عمید، حسن؛ فرهنگ فارسی عمید، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۵۷، چاپ سیزدهم، ص ۱۰۸۲)

<sup>۵</sup> - مستنبط از ملاک ماده ۳۶۸ ق.م

<sup>۶</sup> - در چنین مواردی در اصطلاح حقوقی گفته می‌شود: قبض شرط صحت معامله است

برخی از این عقود عبارتند از:

#### انتقال حق کسب و پیشه یا تجارت (سرقفلی)

به موجب تبصره ۲ ماده ۱۹ قانون روابط موجر و مستأجر ۱۳۵۶، حق کسب و پیشه یا تجارت به مستأجر همان محل مورد اجاره اختصاص دارد و انتقال آن به مستأجر جدید فقط با تنظیم سند رسمی، معتبر است. چنانکه از این تبصره برمی آید، عدم ثبت معامله در این مورد، موجب بطلان قرارداد است. در نتیجه این قرارداد، تشریفاتی محسوب می شود.

#### انتقال سهم شرکت در شرکت با مسئولیت محدود<sup>۸</sup>

به موجب ماده ۱۰۳ قانون تجارت، در شرکت با مسئولیت محدود، انتقال سهم شرکت به عمل نخواهد آمد مگر به موجب سند رسمی. در نتیجه این قرارداد تشریفاتی محسوب می شود.

#### قرارداد بیمه<sup>۹</sup>

به موجب مواد ۲ و ۳ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶، تنظیم نوشته در قرارداد بیمه، شرط تحقق عقد به شمار آمده است و عدم تنظیم سند، موجب بطلان قرارداد می باشد.

#### عقود و معاملات راجع به املاکی که در دفتر املاک ثبت شده باشد

به موجب ماده ۴۶ قانون ثبت املاک و اسناد، کلیه عقود و معاملات راجع به املاکی که قبلاً در دفتر املاک ثبت شده اند، باید رسماً ثبت شود. برخی از حقوقدانان این الزام را نشانه‌ی تشریفاتی بودن این عقود می دانند و معتقدند که اگر انتقال این اموال در دفتر املاک ثبت نشود، باطل بوده و حتی در روابط بین دو طرف قرارداد نیز اثر ندارد. (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۶).  
در مقابل برخی دیگر از حقوق دانان معتقدند که الزامی بودن ثبت این معاملات در دفتر املاک، موجب تشریفاتی قلمداد شدن این عقود نمی باشد. چرا که به موجب ماده ۴۸ قانون ثبت اسناد و املاک، ثبت معاملات مذکور، تنها از نظر اثبات دعوی مهم است. بدین توضیح که اگر چه تحقق این عقود را در محاکم نمی توان با سندی که در دفتر املاک ثبت نشده است ثابت کرد، ولی ثبت و تنظیم سند رسمی، شرط تحقق و صحت قرارداد نیست. فلذا در صورتی که طرف معامله به وقوع معامله اقرار نماید، دادگاه نمی تواند قرارداد را باطل اعلام کند. اگرچه تشریفات تنظیم سند رسمی انجام نشده باشد. (صفایی، ۱۳۸۶: ۱۵)

#### عقد نکاح<sup>۱۰</sup>

به موجب ماده ۱۰۶۲ ق.م. برای انعقاد عقد نکاح حتماً باید از الفاظی که صریحاً دلالت بر قصد ازدواج دارد، استفاده نمود. به ن لیکن در مقابل، گروهی دیگر از حقوق دانان معتقدند که استفاده‌ی از لفظ برای بیان قصد طرفین، موجب تشریفاتی شدن عقد نکاح نمی شود و نکاح از جمله‌ی عقود رضایی است

ثبت نکاح و تنظیم سند رسمی نیز، اگر چه به موجب ماده ۶۴۵ قانون مجازات اسلامی<sup>۱۱</sup> الزامی است، لیکن شرط درستی عقد نکاح نمی باشد و عدم ثبت، فقط دارای مجازات کیفری است. (امامی، ۱۳۸۹: ۶۵)

<sup>۷</sup> - سرقفلی حقی است که به موجب آن مستأجر متصرف، در اجاره کردن محل کسب خود بر دیگران مقدم شناخته می شود. (کاتوزیان، ناصر؛ درسهای از عقود معین، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۶، چاپ دهم، جلد ۱، ص ۲۲۲)

<sup>۸</sup> - ه استناد ماده ۹۴ قانون تجارت، شرکت با مسئولیت محدود یکی از اقسام شرکت تجاری است که بین دو یا چند نفر برای امور تجاری تشکیل شده و هر یک از شرکا فقط تا میزان سرمایه‌ای که به شرکت داده‌اند (سهم شرکت)، مسئول قروض و تعهدات شرکت هستند.

<sup>۹</sup> - ماده ۱ قانون بیمه: بیمه عقدی است که به موجب آن یک طرف تعهد می کند در ازای پرداخت وجه یا جوهی از طرف دیگر در صورت وقوع یا بروز حادثه، خسارت وارده بر او را جبران نموده یا وجه معینی بپردازد.

<sup>۱۰</sup> - نکاح قراردادی است که به موجب آن زن و مرد در زندگی با یکدیگر شریک و متحد شده و خانواده‌ای تشکیل می دهند.

<sup>۱۱</sup> - ماده ۶۴۵ قانون مجازات اسلامی: (به منظور حفظ کیان خانواده، ثبت واقعه ازدواج دائم، طلاق و رجوع طبق مقررات الزامیست. چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر اسناد رسمی مبادرت به ازدواج دائم، طلاق و رجوع نماید به مجازات حبس تعزیری تا یک سال محکوم می گردد)

مبحث سوم: احکام اصل رضایی بودن اعمال حقوقی

گفتار اول: میزان لازم الاجرا بودن اصل رضایی بودن اعمال حقوقی

در حقوق اروپایی و بین المللی، مسئله تکمیلی بودن اصل رضایی بودن، در بسیاری از موارد در قوانین موضوعه و حداقل در دکترین حقوقی و در راستای استنباط از قواعد عمومی و اصول کلی، مورد پذیرش واقع شده است. دکترین حقوقی اروپا، با ارائه دیدگاهی نوین نسبت به اصل رضایی بودن، تکمیلی بودن این اصل را نتیجه می گیرد: مطابق تعریفی که عموماً ارائه می شود، عقد رضایی، قراردادی است که به صرف توافق طرفین تشکیل می شود بدون آن که شیوه اعلام اراده، اهمیت چندانی داشته باشد، این اصل رابطه تنگاتنگی با اصل استقلال اراده داشته و طرفین علی الاصول آزادند تا محتوای روابط قراردادی خود را تعریف کنند و با اعتماد متقابلی که خود از اصل حسن نیت سرچشمه می گیرد، بنای قراردادی خویش را استوار نمایند.

بند اول: مفهوم تکمیلی بودن.

قوانینی از جهت قدرت الزام آوری به دو گروه قوانین تفسیری یا تکمیلی و قوانین امری یا الزامی تقسیم می شوند. توافق خلاف قوانین دسته اول ممکن است اما توافق خلاف قوانین دسته دوم بی اعتبار است. این تقسیم بندی به طور کلی فقط در قوانین حقوق خصوصی معنا پیدا کند و قوانین حقوق عمومی (قانون اساسی، قوانین اداری، قوانین جزایی) به طور کلی امری هستند. بخش عمده قوانین آئین دادرسی و قوانین ثبتی نیز امری محسوب می شود. (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۳۲)

بند دوم: تحلیل حقوقی تکمیلی بودن اصل رضایی بودن اعمال حقوقی

الف - عقود رضایی

اشخاص به منظور بیان قصد و اراده خویش از الفاظ و کلمات، ایماء و اشاره ها بهره می گیرند. آنچه در تبادل افکار و اندیشه ها دارای اهمیت اساسی است، قابل درک بودن آن می باشد، چنان که به کارگیری شکلی خاص در برقراری ارتباط، تنها، متأثر از موقعیت و شرایط افراد است. در علم حقوق نیز قاعده همین است؛ بیان اراده و صحت قراردادها، در اصل، تابع ضوابط و مقتضیات شکلی نیست. بررسی شرایط صحت قراردادها در سیستمهای حقوقی مختلف نشان می دهد که عقد با توافق طرفین واقع می شود و رعایت تشریفاتی معین یا لفظی خاص در بیان قصد، شرط صحت پیمان نمی باشد. ماده ۱۹۱ قانون مدنی «صرف مقرون بودن عقد به چیزی که دلالت بر قصد انشاء نماید» را در تحقق عقد کافی دانسته است، حسب قوانین و رویه قضایی در دیگر کشورها.

وعده به وجود آورنده قرارداد می تواند لفظی یا مکتوب بوده باشد و به طور کلی یا در بخشی از آن از رفتار طرفین استنباط شود این همان اصلی است که از آن به اصل «رضایی بودن عقود» یاد می شود.

اصل «رضایی بودن عقود» که در قلمرو حقوق غیر تجاری بسیاری از کشورها اعمال می شود در زمینه مسائل تجاری اهمیت خاص دارد. زیرا در این سنخ از قراردادها که به طور معمول با استفاده از ابزارها و فن آوری های نوین ارتباطی با سرعت زیاد منعقد می شود، مجال برای رعایت تشریفات دست و پا گیر وجود ندارد. به این دلیل قوانین یکنواخت تجاری که در سطح بین المللی یا منطقه ای وضع می گردند، بر اصل رضایی بودن عقود تأکید می نماید. (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۳۶)

آزادی در گزینش شیوه بیان اراده، چنان انعطافی به اشکال انعقاد قراردادها بخشیده است که پذیرش اعتبار و نفوذ قراردادهای الکترونیکی - از حیث شیوه انتقال و بیان اراده - با مشکلی مواجه نمی گردد. قوانین راجع به تجارت الکترونیکی - به منظور رفع هرگونه ابهام - بر این امر صحنه نهاده اند؛ چنان که ماده ۵ قانون نمونه «آنستیرال» مقرر می دارد: «اثر حقوقی و اعتبار و نفوذ اطلاعات نباید به صرف این که در شکل داده پیام است، انکار شود» یا ماده ۷ قانون یکنواخت معاملات الکترونیکی متذکر می شود: «اثر حقوقی و قابلیت اجرای یک قرارداد نباید به صرف آنکه داده های الکترونیکی در انعقاد آن نقش داشته اند، انکار شود». بند ۱ ماده ۹ دستور العمل اتحادیه اروپا نیز از کشورهای عضو می خواهد که انعقاد قرارداد از طریق

الکترونیکی را مجاز بدانند و ضوابط قانونی حاکم بر قراردادهای در سیستمهای حقوقی آنها مانعی در استفاده از قراردادهای الکترونیکی به وجود نیامورد و به صرف استفاده از شیوه های الکترونیکی این قراردادهای را بی اثر و فاقد اعتبار ندانند. (کاتوزیان ، ۱۳۸۰: ۴۵)

قانون تجارت الکترونیکی در کشور ما فاقد نص مشابه است؛ مع هذا از مواد ۶ و ۷ این قانون در خصوص پذیرش داده پیام در مقام «نوشته» و امضاء الکترونیکی در عرض امضاء دستی، و ماده ۱۲ قانون در مورد پذیرش اسناد و دلایل الکترونیکی استنباط می شود که اعتبار و نفوذ قراردادهای الکترونیکی در سیستم حقوقی ما به صرف شکل آن قابل رد نیست.

#### ب - عقود تشریفاتی

هرچند قاعده کلی آن است که شکل و تشریفات ویژه ای برای بیان اراده و تحقق عقد وجود ندارد، گاه بنابر توافق طرفین و گاه به حکم قانون لازم است که اراده ها در شکلی خاص متجلی گردند تا منشأ اثر باشند. در این دسته از عقود که «عقود تشریفاتی» خوانده می شوند، توافق دو اراده در صورتی معتبر است که در شکلی مخصوص باشد؛ توافقی که فاقد این شکل باشد، باطل و بی اثر است. (کاتوزیان ، ۱۳۸۰، ۳۵)

درباره قراردادهای الکترونیکی لزوم رعایت تشریفات این مسأله را مطرح می کند که آیا «داده پیام» می تواند به عنوان ابزار بیان اراده، شرایط شکلی و تشریفات مورد نظر را تأمین کند؟

#### ج) منبع تشریفات

لزوم رعایت تشریفات می تواند بنا به توافق طرفین یا ناشی از حکم قانونی باشد: متعاقبین می توانند بر رعایت شکلی خاص یا تشریفاتی ویژه در انعقاد قرارداد توافق کنند. این توافق در حقوق ایران - بنابر ماده ۱۰ قانون مدنی - چنانچه مغایر با قوانین آمره یا نظم عمومی نباشد، معتبر است. مثلاً اگر طرفین - حتی پس از توافق در مورد تمامی جنبه های قرارداد - تحقق و لازم الاجرا گشتن عقد را مشروط به تنظیم سندی در آینده نمایند، تا قبل از تنظیم سند تعهدی برای طرفین حاصل نمی شود. این شیوه در تجارت بین الملل، به ویژه در معاملات پیچیده، معمول است. طرفین قرارداد ضمن آنکه توافقات اولیه خود را در قالب «موافقت نامه ابتدایی» یا «یادداشت تفاهم» به صورت سند غیر رسمی در می آورند، قصد خود را مبنی بر تنظیم سند دیگر نیز بیان می کنند. (کاتوزیان ، ۱۳۸۰، ۳۵)

در برخی موارد، هدف از این اقدام آن است که سند دوم تأییدی بر مذاکرات قبلی باشد؛ اما، گاه، هدف تعلیق قرارداد بر تنظیم این سند است؛ به طوری که تنها اراده های مذکور در سند دوم مبنای ایجاد تعهدات متقابل گردد. بند ۱۳ ماده ۲ اصول قراردادهای تجاری در تأیید اعتبار چنین توافقی مقرر می دارد: «در صورتی که در جریان مذاکرات یکی از طرفین اصرار کند که تا هنگام توافق بر موضوعات معین یا به شکلی مشخص پیمانی حاصل نشود، قبل از حصول توافق، توافق در آن موضوعات مشخص یا به آن شکل معین نشود، منعقد نخواهد شد». (کاتوزیان ، ۱۳۸۰، ۳۵)

قوانین و اسناد بین المللی نیز گاه، منبع تشریفات می گردند. در حقوق کشور ما برخی قوانین رعایت تشریفات ویژه ای از «جمله کتبی» بودن را در اعتبار اعلام اراده شرط دانسته اند. چنان که در قانون تجارت از اسناد تجاری به «نوشته» تعبیر شده (مواد ۲۲۳، ۲۲۶، ۳۰۸ و ۳۱۱ قانون تجارت)، تشکیل شرکت موکول به تنظیم اساسنامه می شود (مواد ۱ تا ۱۹ لایحه اصلاحی قانون تجارت و مواد ۱۹۵ تا ۱۹۸ قانون تجارت).

در حقوق دیگر کشورها نیز بسیاری از متون بر لزوم کتبی بودن اعلام اراده ها تصریح دارند. در کشورهای تابع نظام «کامن لا» مصداق بارز این لزوم قوانین موسوم به «تقلب» می باشد. این عبارت به کلیه قوانینی اطلاق می شود که کتبی بودن را شرط نفوذ عقد می دانند. این قوانین حمایت اشخاص در برابر اعلام های شتابزده آنهاست. (بهرامی ، ۱۳۸۶ ، ۳۵)



در کشورهای تابع نظام «روم و ژرمن» نیز لزوم رعایت تشریفات بیشتر از باب اثباتی می باشد؛ اما، در مواردی رعایت تشریفات خاص شرط صحت و اعتبار اعمال حقوقی است. در اسناد بین المللی نیز گاه بر لزوم مکتوب بودن اعلام های اشخاص یا ارسال اخطاریه های کتبی و امثال آن تأکید می شود مثلاً ماده ۵ کنوانسیون تجارت حمل و نقل کشورهای محصور در خشکی از کشورهای عضو می خواهد که از اسناد ساده و متدهای سریع در رابطه با حمل و نقل در کشور خود استفاده کنند. (شهییدی، ۱۳۷۷، ۸۶)

#### د) اشکال تشریفات

«کتبی بودن»، «مضی بودن» اعلام ها و قرارداد اشخاص، نیز با حضور شخص ثالث از مهمترین مصادیق تشریفات در سطح داخلی و بین المللی می باشد. در حقوق کشور ما «مکتوب» یا نوشته تعریف قانونی ندارد. در قوانین برخی کشورها از نوشته به «مکتوب» یا «ثبت ارادی» به هر شکل ملموس که نسبتاً ثابت و دائمی باشد» تعبیر می شود.

رویه قضایی در این کشورها - در مقام اعمال قوانین کپی رایت - که موضوع آن محدود به آثار مکتوب است کپی الکترونیکی ذخیره شده در فلاپی دیسک را «نوشته» تلقی نموده است. اما در خارج از قلمرو قوانین کپی رایت در تسری مفهوم «نوشته» به این موارد، اختلاف نظر وجود دارد. هرچند برخی محاکم تلگرام را بعنوان نوشته امضاء شده پذیرفته اند، اما آرا مخالف نیز قابل توجهند.

چنان که دیگر نمی توان از ملاک آراء نخستین در تأیید پذیرش «داده پیام» به مکتوب استفاده کرد. واقعیت آن است که مفهوم عرفی «نوشته» که تکیه بر مبنای کاغذی داشته و به کلمات نگارش یافته بر کاغذ اطلاق می گردد، تمایل رویه قضایی در کشورهای مختلف را به خود جلب می کند.

امضاء نیز در متون قانون ما تعریف نشده است، از نظر لغوی امضاء نوشتن نام خود در زیر نامه یا سند به عنوان اقرار و تصدیق است در برخی متون خارجی امضاء به هر نام، نشانه یا سمبلی تعریف می شود که به منظور ابراز قصد امضاء کننده مبنی بر پذیرش آن نوشته و ایجاد التزام ملحق به یک نوشته می شود.

به سختی می توان ضرورت «مکتوب بودن» قرارداد را از «مضی بودن» آن متمایز کرد به طور معمول این دو مفهوم با یکدیگر ملازم دارند در حقوق ما ضرورت امضاء تنها در چند مورد محدود ذکر گردیده است، اما چنان که عرف مسلم اقتضاء دارد نوشته منتسب به اشخاص در صورتی علیه آنان قابل استناد است که دارای امضاء باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۰، تهران، ج ۱، ش ۱۷۴) هنگامی که ضرورتی بر مکتوب بودن قرارداد نباشد، لزوم امضاء نیز منتفی است.

اما در غیر این صورت شخصی که بخواهد ثابت نماید طرفین قصد خود را در ایجاد التزام با مفاد نوشته بدون امضایی ابراز کرده اند، با دشواری بسیار مواجه می شود. علاوه بر لزوم کتبی بودن و مضی بودن قرارداد، در بسیاری از کشورها قانونگذار لازم دانسته است که انجام برخی اعمال حقوقی یا اداره اموری چون سوگند، تأیید اعلام های اشخاص، شهادت، گواهی و مانند آن در حضور یا توسط مراجع ویژه ای که به همین منظور از طرف دولت دارای اختیارات خاص گردیده اند، انجام گیرد. این مرجع ناظر ممتازی است که نظارت و تأیید او فرض صحت و اطمینان خاطر به امور انجام یافته را به همراه دارد.

در حقوق کشور ما به موجب مواد ۴۶ و ۴۷ قانون ثبت، ثبت رسمی کلیه معاملات راجع به عین یا منافع املاکی که قبلاً در دفتر املاک ثبت شده است، کلیه معاملات راجع به حقوق ثبت شده نظیر صلح نامه، هبه نامه و شرکت نامه اجباری است. در سایر کشورها نیز مقررات کم و بیش مشابهی وجود دارد. مع هذا، ضمانت اجرای تخلف از این قواعد یکسان نیست. برخی کشورها تنظیم سند رسمی را لازمه اثبات عقد یا نفوذ در برابر اشخاص ثالث دانسته اند و برخی دیگر آن را شرط تحقق عقد می دانند. در حقوق ایران، تردیدها در این زمینه پایان نیافته است، رویه قضایی، عمدتاً ثبت رسمی را در زمره شرایط اساسی عقد نمی داند و به استناد اسناد عادی وقوع بیع شرعی را احراز کرده و فروشنده را الزام به تنظیم سند رسمی می نماید. (شهییدی، ۱۳۷۷، ۷۷)

### گفتار دوم: بررسی امکان تأمین تشریفات در قراردادهای الکترونیکی

داده پیام «نوشته» یا «امضاء» در معنای سنتی آن نیست؛ شرط نظارت ثالث نیز با داده پیام تأمین نمی شود. از طرف دیگر تشریفات فلسفه ای دارند که لزوم آنها را توجیه می کند، بطوری که حذف آنها ممکن و معقول به نظر نمی رسد. لاجرم حقوق و قوانین تجارت الکترونیکی باید به نوعی خود را با ضوابط تشریفات همخوانی نمایند. در راستای حصول این هدف تلاشهای ملی بین المللی متعددی صورت گرفته است، در خصوص شرط و مکتوب بودن، هدف زدودن پایه کاغذی از مفهوم «نوشته» و پذیرش داده پیام بعنوان نوشته می باشد که در متون راجع به تجارت الکترونیکی به دو شیوه نمودار شده است: شیوه اول، اصلاح متون قانونی از طریق جانشین کردن کلمه «نوشته» با واژه هایی مانند «ثبت» یا «درج» است که واژه های اخیر به جای تکیه بر مبنای کاغذی بر ضبط شدن و محفوظ ماندن کلمات تکیه دارند؛ لذا داده پیام را هم در بر می گیرند. شیوه دوم، در عرض هم قرار دادن «داده پیام» و «نوشته» یا در حکم یکدیگر دانستن آنهاست؛ چنان که ماده ۶ قانون «آنستیرال» مقرر می دارد: «اگر قانون لازم می داند که اطلاعات به شکل مکتوب باشند این ضرورت با داده پیام تأمین می شود». ماده ۶ قانون تجارت الکترونیکی ایران نیز در متنی مشابه اعلام می نماید «هرگاه وجود یک نوشته از نظر قانونی لازم باشد داده پیام در حکم نوشته است».

در مورد امضاء نیز قوانین تجارت الکترونیک از الگوهای مشابهی استفاده می کنند مثلاً، قانون نمونه «آنستیرال» ۱۹۹۶ مقرر می دارد: «وقتی قانون امضاء شخصی را لازم می داند این ضرورت با داده پیام برآورده می شود، مشروط به آنکه امضاء الکترونیکی چنان قابل اتکا باشد که از حیث اهدافی که داده پیام برای آن تولید یا ارسال شده با در نظر گرفتن کلیه شرایط از جمله توافق مربوطه مناسب باشد». ماده ۷ قانون تجارت الکترونیکی ایران مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷ نیز اعلام می نماید: «هرگاه قانون وجود امضاء را لازم بداند، امضاء الکترونیکی مکفی است» (شهبیدی، ۱۳۷۷، ۸۸)

دخالت ناظر ثالث یا تنظیم سند رسمی توسط او قیدی کاملاً متمایز از «مکتوب بودن» یا «ممنوع بودن» است. لذا، برابری داده پیام با امضاء یا نوشته دست نویس فی نفسه، تأمین کننده این قید نیست؛ چنانچه کشورها بخواهند شرط حضور و نظارت ثالث را نیز به گونه الکترونیکی تأمین کنند، باید مراجعی را پیش بینی نمایند که این مراجع بعنوان جانشین سر دفتران سنتی وظایف خود را به طریق الکترونیکی انجام دهند. چنان که حسب برخی از قوانین تجارت الکترونیکی این امر ممکن گردیده است؛ مثلاً ماده ۱۱ قانون یکنواخت معاملات تجاری مقرر می دارد: «اگر قانون لازم می داند که یک امضاء یا متن رسمی بوده یا توأم با سوگند باشد، این ضرورت برآورده می شود، اگر امضاء الکترونیکی شخص مجاز در انجام آن اعمال به همراه سایر اطلاعات لازم به امضاء یا متن مورد نظر ضمیمه شود».

#### بند اول: امکان انعقاد قراردادهای از راه دور

مفهوم قراردادهای از راه دور و تحلیل حقوقی ارتباط اصل با آن. هرگاه طرفین قرارداد نزد یکدیگر حضور نداشته باشند و بخواهند از راه دور و به صورت غیرحضور و با استفاده از وسایل ارتباطی موثر، قراردادی میان خود واقع سازند، قرارداد مذکور را قرارداد از راه دور یا عقد میان غایبین می نامند.

#### نتیجه گیری

دولتها در پی گیری اقدامات خود در عرصه روابط بین الملل همواره با اتکا به منافع ملی خود عمل نموده اند و روابط بین الدولی را بر اساس رفتارهای ارادی شان تنظیم کرده اند. این امر پس از شکل گیری نهادهای بین الدولی و قواعد حاکم بر نظام بین الملل پررنگ تر گشته است. این امر نیز ناشی از مقتضیات زندگی زیست جمعی است که دول مختلف در آن سعی در نزدیکتر کردن منافع ملی خود در قالبهای همه گیر و جهانی دارند. یکی از این روشها ایجاد قواعد حقوقی بین المللی است که بتواند رفتار دولتها را هدفمند و تابع منبع مشخصی بنماید. حقوق بین الملل نیز حاکم بر روابط بین دولتها مستقل است.

بنابراین قواعد حقوقی الزام آور بر دولتها از اراده آزاد خود دولتها ناشی می شوند که در کنوانسیونها به ظهور رسیده و یا بوسیله رسومی اعلام شده اند که عموماً بیانگر اصول حقوقی بوده و به منظور تنظیم روابط بین این جوامع مستقل همزیست وضع شده و یا با اهداف دست یافتن به اهدافی مشترک وضع گردیده اند. بنابراین نمی توان فرض را بر محدودیت استقلال دولتها گذاشت. پس بطور کلی قانونمندی رفتار متقابل دولتها نیازمند وجود قواعدی در آن سطح است. در هر حال برای تجمیع دیدگاههای دولتها در مورد قواعد بین المللی بایستی مرجعی وجود داشته باشد که بتواند این خواست و اراده را به منصفه ظهور برساند. دولتها برای حل این مساله در قالب کمیسیون حقوق بین الملل اقدام به تدوین و تنظیم « معاهده معاهدات» یا حقوق معاهدات نمودند که اساس رفتاری دولتها در تنظیم قواعد بین آنها گردید. اما جهت کلی این نوشتار همانطور که در مقدمه ذکر شد، اثبات این مدعاست که قواعد حقوق بین الملل اجبار دولتها را در پذیرش معاهدات برسمیت نمی شناسند و آن را باطل اعلام می دارند و پایه اساسی حقوق معاهدات را در رضائی بودن معاهدات می دانند. بطوریکه در منشور ملل متحد و اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری (ماده ۳۶) رضایت دولتها صریحاً پایه و اساس وضع قواعد حقوقی بین المللی اعلام گردیده است. پس مهمترین منبع حقوق بین الملل، رضایت دولتها بوده، چندان که می توان اذعان داشت که حقوق بین الملل، حاصل توافق دولتهاست. این امر حتی در کنوانسیون حقوق معاهدات نیز پذیرفته شده است. در نقطه شروع کنوانسیون وین و در دیباچه آن اصل رضایت آزادانه بهمراه اصول حسن نیت و قاعده الزام آور بودن تعهدات مورد تایید قرار گرفته است. تمرکز بر رضایت دولتهای حاکم همچون زیربنای تئوریک حقوق معاهدات نه تنها به عنوان موضوع استنتاج از قواعد کنوانسیون ۱۹۶۹ وین پذیرفتنی است؛ بلکه همچنین بعنوان یک تصدیق واقعیات بین المللی است. اثرات حقوقی که از اصل رضائی بودن معاهدات استنتاج می شود همگی بیانگر این مطلب است که بر پایه اصل اردای یا رضائی بودن معاهدات، التزام حقوقی ناشی از معاهده که طرفهای معاهده را به اجرای مقررات معاهده مکلف می سازد، حاصل اراده طرفهای خود معاهده است. به این معنا که هرگونه تعهد و در مفهومی وسیعتر هرگونه اثر حقوقی که از معاهده به جای می ماند، حاصل اراده ای است که آن تعهد یا اثر را بوجود آورده است، اما با همه این اوضاع در بعضی شرایط اصل نسبی بودن معاهدات تحت الشعاع قرار می گیرد و استثنائاتی بر اصل رضائی بودن معاهدات وارد می شود. این شرایط به گونه ای است که در آن دولتها به پذیرش معاهده یا تعهداتی مستقیم مجبور نمی گردند بلکه یکسری منافع و تکالیفی را برای کشورهای ثالث خارج از معاهده ایجاد می نماید که با توجه به پذیرفته شدن اصل رضائی بودن پذیرش معاهدات در کنوانسیون و دیگر منابع حقوق بین الملل بنظر می رسد تعهدات مستقیم و ایجابی را موجب نمی گردند. از سوی دیگر مادامی که کشورها خود چه بصورت صریح و ضمنی رضایت خود را در قبال تعهدی اعلام ندارند نمی توان برای آنها در قبال عدم پذیرش تعهد مسئولیت بین المللی متصور شد.

#### منابع

- انصاری، ولی...؛ کلیات حقوق قراردادهای اداری، تهران، نشر حقوقدان، ۱۳۸۰
- انوری، حسن؛ فرهنگ بزرگ سخن، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۱
- بهرامی احمدی، حمید؛ کلیات عقود و قراردادها، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۹
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر؛ ترمینولوژی حقوق، تهران، نشر و کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۶.
- شهیدی، مهدی؛ تشکیل قراردادها و تعهدات، تهران، نشر حقوقدان، ۱۳۹۰
- صفایی، سید حسین؛ قواعد عمومی قراردادها، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۴
- عمید، حسن؛ فرهنگ فارسی عمید، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۰
- قنواتی، جلیل، حقوق قراردادها در فقه امامیه، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰

- کاتوزیان، ناصر. قواعد عمومی قراردادها، تهران، نشر یلدا، چاپ دوم، سال ۱۳۷۶
- کاتوزیان، ناصر، نظریه عمومی تعهدات، تهران، نشر یلدا، چاپ اول، ۱۳۷۶
- کاتوزیان، ناصر؛ درسهایی از عقود معین، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۶
- کاتوزیان، ناصر؛ دوره مقدماتی حقوق مدنی، خانواده، تهران، موسسه نشر یلدا، ۱۳۷۵.
- محقق داماد، سید مصطفی بررسی فقهی خانواده تهران: نشر علوم اسلامی ۱۳۷۶ .
- معین، محمد، فرهنگ معین، تهران: انتشارات امیر کبیر، چ ۳، ۱۳۷۵ .
- منصوری نراقی، محمود، «مبانی حقوقی و شرایط عمومی قراردادها» انتشارات صبح امروز، ۱۳۸۵.